

# راهبردهای تربیت دینی در عصر فناوری اطلاعات<sup>(۱)</sup>

دکتر علی اصغر کاکو جویباری

نگرش معطوف به آن دو نیز به هم دیگر انتقال می‌یابند و این امر، اهداف کلی تربیت دینی را متأثر ساخته و بعضاً شاهد اثربخشی وارونه‌ی تربیت دینی می‌توانیم باشیم.

بر پایه‌ی این زاویه‌ی نقد از اثربخشی تربیت دینی در دوران انقلاب در کشورمان، موضوع تحقق آزادی در پرتو دین، اهمیت مسأله را دو چندان می‌کند. بر این پایه، اگر در کشورهایی همانند فرانسه و انگلیس آزادی با رهایی از کلیسا شکل گرفت، در متن انقلاب ما، آزادی در پناه مسجد، حوزه‌های علمیه، هیأت‌های مذهبی در جستجوی معناست. بر این اساس، مردم سالاری دینی و پیشایند تاریخی آن، جمهوری اسلامی و گشایش پارادوکس نظری دو جنبه‌ی آن در بستر تجارب اجتماعی، سیاسی و تاریخی حساسیت و پیچیدگی موضوع تربیت دینی را دو چندان می‌کند.

تربیت دینی و اثربخشی آن از لحاظ نظری، تابع رویکرد کلان فلسفه‌ی تعلیم و تربیت و هم‌چنین فلسفه‌ی سیاسی مسلط معطوف آینده است. در این خصوص نیز، اغلب داوری‌های علمی و نظری از آموزش و پرورش معاصر ما، مؤید این حقیقت است که یک مدل نظری جهت تبیین مسائل و چالش‌های اساسی آموزش و پرورش و راهبردهای کلان متأثر از آن با تکیه بر مبانی اعتقادی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، دیدگاه‌های تعلیم و تربیتی و شرایط حاکم بر مسائل اجتماعی، سیاسی در اختیار نبوده است. بالطبع این خلأ نظری، تربیت دینی را نیز در چنگال خود گرفتار کرده است. بر این پایه، فلسفه اجتماعی - سیاسی مسلط، به منزله‌ی آرمان‌های جمعی و ملی از نظر تکیه‌گاه امید به زندگی و آینده،

علی‌رغم این‌که قریب به چهار دهه از اجرای طرح‌های تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش رسمی این کشور با مشارکت بزرگانی هم‌چون شهیدان باهنر و بهشتی می‌گذرد، و سرمایه‌گذاری بزرگی در طی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی متوجه آن بوده است، اما کماکان این موضوع از چالش‌های اساسی نظام آموزش و پرورش کشور ماست و با گذر زمان، موضوع انتخاب روش مؤثر در نظام تربیت دینی به نحوی که در نسل آینده اثربخش باشد، از حساسیت بیشتری برخوردار می‌گردد.

پرداختن به موضوع تربیت دینی در یک حکومت دینی به دلیل تأثیر شتاب‌دار هندسی عوامل غیرکلاسی و فراتعامل معلم و شاگرد، بالطبع پیچیده‌تر از تبیین این موضوع در یک حکومت لائیک است. از یک حیث در یک حکومت لائیک عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و نهایتاً حکومتی عموماً می‌تواند به نفع اثربخشی تربیت دینی اثر تسهیل‌گرایانه داشته باشند.

این امر به‌طور ملموس در دوران قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تجارب کشورهایی مانند ترکیه قابل مطالعه است. در حالی‌که در دوران بعد از پیروزی انقلاب به دلیل انتقال تلفی و نگرش معطوف به مسائل حکومتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی به سمت دین و شرایط تعاملی تربیت دینی، موضوع تربیت دینی در شرایط بسیار ویژه و اختصاصی قرار گرفته است.

بر این پایه، در صورتی‌که بعضاً روش‌های عام حکومتی، صرف‌نظر از این‌که نگرش معطوف به آن، گمان، توهم و یا واقعیت باشد، با روش‌های تربیت دینی هم‌نوایی و هم‌سویی داشته باشد،

یعنی فلسفه‌ی اجتماعی - سیاسی معطوف به مردم سالاری دینی، با عنایت جدی به مؤلفه‌ی آزادی و مردم سالاری آن - به دلیل تجربه‌ی دو دهه‌ی قبل - در دهه‌ی سوم انقلاب اسلامی، نیازمند روشی نوینی در تربیت دینی است. این روش ضروری است که با روح روش پیشین در ستیز و با روح نسل آینده و شرایط آینده جهان، سازگار باشد.

موضوع تربیت دینی در دهه‌ای به بحث گذاشته می‌شود که دیگر مدرسه و نظام آموزش و پرورش کمتر قادر به کنترل محتوای یادگیری یادگیرندگان خواهد بود. در این شرایط، دانش‌آموز با تکیه بر فناوری اطلاعاتی (IT) از میان محتواهای مختلفی که می‌تواند در اختیارش قرار گیرد، اطلاعات مورد علاقه‌اش را شخصاً انتخاب می‌کند. در واقع صفت اصلی فناوری اطلاعاتی در حوزه‌ی آموزش و پرورش اعطای نقش بیشتر به معلم و به‌ویژه به خود دانش‌آموز است و به تدریج، نقش سطوح عالی آموزش و پرورش در این مسیر رنگ خواهد باخت. بر این پایه، قبل از انتقال فناوری اطلاعاتی به حوزه آموزش و پرورش از حیث ایفای نقش در تربیت دینی، انتقال روح و صفت اساسی این دوره، به متن تربیت دینی، به عنوان پیش شرط فرهنگی آن، از حساسیت بیشتری برخوردار است. این امر به معنی اعطای عزت یادگیری به یادگیرنده و ارتقای منزلت یاددهنده در مؤلفه‌های اساسی برنامه‌ریزی درسی معطوف به تربیت دینی است. این امر استراتژی کلان در حوزه تربیت دینی است که اولاً به صورت راهبرد در این مقاله چارچوب عمل آن، تدوین و تبیین خواهد شد، ثانیاً به فطری نگرایی دینی در منابع اسلامی مبتنی است. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا... (روم - آیه ۳۰)

### راهبردهای تربیت دینی

۱ - نظام چند رسانه‌ای: آنچه در تربیت دینی در کشور ما جریان دارد، بدین صورت است که در هر پایه‌ی تحصیلی به کلیه دانش‌آموزان کشور یک محتوای ثابتی بر پایه‌ی هدفی مشخص، تعریف شده و متأسفانه نانوشته و اعلام نشده، داده می‌شود و

معلمان بر پایه‌ی آن به آموزش دانش‌آموزان می‌پردازند. این تلقی از رسانه آموزش دینی، با نادیده انگاشتن تفاوت‌ها در علایق، نیازها، آرمان‌های فردی یادگیرندگان و تفاوت‌های مدرسه‌ای، جامعه‌ای و فرهنگی، خودنمایی کرده است و سرانجام نیز با نشستن به صندلی ارزشیابی رسمی، کتبی، عددی، مورد آماج اعتراض و نفرت یادگیرنده قرار می‌گیرد.

اکنون که پس از دو دهه، تربیت دینی در مدارس کارکردی جز گریز از دین نداشته است - البته سهم عوامل غیر کلاسی را نیز باید مد نظر داد - نباید بر تداوم این روش پای فشرد. این مقاله نظام چند رسانه‌ای را به جای نظام تک رسانه‌ای به عنوان یک راهبرد در حوزه تربیت دینی پیشنهاد می‌کند. بر پایه‌ی این نظام، اهداف آموزش دینی منعطف و معطوف به تنوع یادگیرندگان و زمینه‌ی متفاوت فرهنگی است. در هر کلاس از طریق فناوری اطلاعاتی و یا روش سنتی کتابخانه کلاسی، انبوهی از فیلم آموزشی، CD، نوار کاست، بازی‌های آموزشی، روش‌های نمایشی و تئاتر، کتاب‌های مذهبی، در میدان انتخاب یادگیرندگان قرار می‌گیرد. این محتواها از نظر چارچوب اهداف، جزئی‌نگرانه طراحی نمی‌شود، بلکه بر پایه‌ی اهداف منعطف، ضمن سطح‌بندی پایه‌ای، دارای هم‌پوشی‌های پایه‌ای هدایت شده‌ای نیز می‌باشند.

دانش‌آموزان به‌طور فردی و یا با تشکیل گروه‌های دانش‌آموزی بر پایه‌ی موضوعی که معلم توصیه می‌نماید در میان انبوه رسانه‌ها، روح جستجوگری خویش را تشفی می‌بخشند و با گردآوری مطالب و انجام فعالیت‌های عینی و اجتماعی مبتنی بر آن، مفهوم خود یادگیری بینشی، عزت یادگیرنده را معنی می‌نمایند. همان‌طور که ملاحظه می‌نمایید این روش لزوماً بر فناوری اطلاعاتی - با عنایت به هزینه‌های مادی و معنوی آن - متکی نمی‌باشد، ولی با روح جستجوگری این زمانه، هم‌نواست و نسل آینده را برای مواجهه کارآمد با آن آماده می‌کند. این روش، یادگیرنده را به اهمیت و پیامد انتخاب آشنا می‌نماید؛ او را با موضوع مورد انتخاب از نظر روانی، درگیر می‌سازد؛ به‌نشاط فردی و جمعی در آموزشگاه دامن می‌زند.

درگیری در فضای فناوری اطلاعاتی و زمینه‌ی انتخاب‌گری مندرج در آن، فضایی است که تعامل‌کننده را از نظر روانی درگیر می‌سازد. به احساس، هیجان و تدریجاً عشق و نفرت در او دامن می‌زند. می‌دانیم که سرگرمی‌ها، بازی‌ها و سایر جستجوهای اینترنتی، بین فرد و موضوع مورد جستجو و جهت آن، تعلق ایجاد می‌کند. نیک می‌دانیم که تربیت دینی زمانی مؤثر می‌گردد که به رفتار، احساس و عشق دینی تبدیل گردد. دامنه‌ی جستجو تابع میزان احساس و هیجان شکل گرفته در یادگیرنده است و مدیریت رفتاری آن نیز در اختیار خود اوست. بر این پایه، انتظار می‌رود نظام چند رسانه‌ای تربیت دینی مبتنی بر فناوری اطلاعاتی، رگه نوینی از عشق دینی را برای نسل آینده، به‌منصه ظهور رساند.

نکته‌ی اساسی دیگر در پیرامون راهبردها چند رسانه‌ای در تربیت دینی، این تلقی نسبت به انسان و یادگیرنده است که خداوند سبحان فطرت انسان‌ها را جهت تمایل و عنایت به‌دین قرار داده است و ما باید به‌این اصل ایمان داشته باشیم که اعتماد به‌دانش‌آموزان و معلمان به‌شکوفایی باور دینی منجر می‌شود. بر این پایه آمريت در تربیت دینی مؤید ناباوری به‌استحکام و منطق دینی و گرایش لائیک در جوهر آدمیت است.

در صورتی‌که هر یادگیرنده خود دین را کشف نماید، برای دین، زیبایی، هنر، عشق و عرفان و ادبیات، نیز مورد انتظار است. چون طبیعت آدمی معطوف به‌دین است. برای بارور شدن دین در هر یادگیرنده، وی را باید در دریای محرکات متنوع برای تقویت جوهره‌ی درونی، رها کرد. بر این پایه، نظام چند رسانه‌ای، رغبت درونی ایجاد می‌کند. این راهبرد با موضوع کثرت‌گرایی در مردم سالاری دینی هم‌نوایی دارد و فرهنگ عمومی را با زیر ساخت مدرسه‌ای به‌قبول کثرت، هدایت می‌کند.

۲ - تساهل و تسامح در ارزشیابی تربیت دینی: آموزش دینی یکی از موضوعات درسی است که می‌تواند به‌عنوان یک ملاک در ارتقای پایه‌های تحصیلی ایفای نقش نماید. بر پایه این منطق: اولاً ارزشیابی این ماده درسی می‌تواند در کلیه‌ی مقاطع و

پایه‌ها کتبی و متعارف نباشد.

ثانیاً دارای ارزش عددی و کمی نباشد، بلکه کیفی باشد.

ثالثاً صرفاً بر طیف مثبت و تشویقی کیفیت‌ها قرار گیرد.

رابعاً تدریجی و فاقد زمان مشخص باشد. خامساً از اختیارات معلم کلاس باشد.

نهایتاً ارزشیابی سیستم تربیت دینی و آموزشگاه در اولویت قرار گیرد. بر این پایه کانون تساهل و تسامح در ارزشیابی تحصیلی معطوف به‌تربیت دینی است. در واقع قادر خواهیم بود از شکل‌گیری عقده‌ی روانی برای گذار از امتحان، حداقل در این درس بکاهیم. بر این اساس به‌جای ارزشیابی از دانش‌آموزان در تربیت دینی، ارزشیابی از سیستم و آموزشگاه را اولویت قرار دهیم.

۳ - تدوین کتاب راهنمای معلم: بر پایه‌ی اهداف منعطف تربیت دینی وزارت آموزش و پرورش و ستادهای استانی و منطقه‌ای چارچوب مذکور در این طرح را در کتاب و یا کتاب‌هایی به‌تفکیک مقاطع تحصیلی، تدوین و نحوه‌ی تحقق اصلاح در برنامه و روش تربیت دینی را در معرض نظر معلمان و مدارس قرار می‌دهند. تدوین مقررات متناسب با این اصلاحات نیز از دیگر وظایف بخش‌های ستادی آموزش و پرورش است.

(۱) به‌نقل از نشریه‌ی پژوهشکده‌ی کودکان استثنایی